

### خوشحال حلیمان (۴)

تا اینجا از مقدمه موعظه سرکوه عیسی مسیح، که ما آنرا تحت عنوان خوشحال ها می شناسیم دو خوشحال یعنی مسکینان در روح و ماتمیان را بررسی کردیم و امروز از متی ۵:۵ می خواهیم به سومین ویژگی شهروندان ملکوت خدا تحت عنوان "حلیمان"، پردازیم. ابتدا مقدمتاً توضیحی در رابطه با وضعیت تاریخی آن زمان خدمتتون ارائه می دم، که به درک موضوع کمک خواهد کرد.

### زمینه تاریخی

در سال ۶۳ قبل از میلاد شخصی بنام پامپی فلسطین را برای روم تسخیر کرد و از آن پس استقلال یهودیان از یونان که توسط انقلاب مکابیه حاصل شده بود، پایان یافت.

از آن به بعد، بخشی از آن سرزمین توسط پادشاهانی از سلسله هرودیان که توسط قیصر روم تعیین شده بودند اداره می شد. این پادشاهان زیر نظر والیان یا فرماندارانی که امپراتور تعیین می کرد فعالیت می کردند، که مشهورترین آنها پیلاتس بود.

بدین صورت، یهودیان زیر فشار و ظلم آن حاکمان بودند، اما خود را بنده یا اسیر رومیان نمی دانستند، به همین دلیل است که وقتی عیسی مسیح در یوحنا ۸ به آنها می گوید، حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد، آنها در پاسخ به او گفتند که ما فرزندان ابراهیم هستیم و غلام هیچ کس نبوده ایم. پس می بینیم که یهودیان، علی رغم فشارها و یوغی که رومیان بر یهودیان گذاشته بودند، بخاطر غروری که داشتند، اسارت و بندگی شان را انکار می کردند.

عیسی مسیح در همین دوران، که یهودیان تحت ظلم و استعمار قیصر روم بودند، ظهور کرد.

این درست زمانی است که، در دل یهودیان تمایل و باور شدیدی برای ظهور ماشیح و برقرار کردن ملکوت خدا، ایجاد شده بود.

بعنوان مثال، شمعون را می بینیم که قبل از مرگش مشتاق دیدن ماشیح بود.

حال، در این دوران عیسی مسیح از راه می رسد و به مردم چنین می گوید:

مرقس ۱: ۱۴-۱۵ او فرمود: "زمان موعود فرا رسیده است. بزودی خداوند ملکوت خود را برقرار خواهد ساخت. پس، از گناهان خود دست بکشید و به این خبر خوش ایمان بیاورید." (ترجمه تفسیری)

مردم با شنیدن این خبر خوش عیسی مسیح، به هیجان آمده بودند. تصور آنها این بود که مسیح آمده تا آنها را از تسلط رومیان آزاد کند. با چشمان خود شاهد عجایب، معجزات و سخنان شگفت انگیز او بودند. بخصوص بعد از اینکه دیدند که مسیح با چند تکه نان و ماهی به چند هزار نفر غذا داد، بیشتر به او امیدوار شدند. مردم خوشحال بودند و انتظار این را می کشیدند که بزودی عیسی مسیح انقلاب سیاسی خود را بر علیه دولت روم آغاز کند.

جلسه گذشته، به چند گروه به نامهای فریسیان، صدوقیان، اسین ها و غیوران اشاره کردم، که از دید آنها هر کدام تصویر متفاوتی از مسیح یا ماشیح داشتند.

مثلاً:

فریسیان تصور می کردند که مسیح باید مثل دوران عهدعتیق، حکومت خدا بر مردم را، در آن سرزمین برقرار کند و

به تصور صدوقیان، که مذهبیون لیبرال آن زمان بودند، تصور می کردند که مسیح باید یک شخصیت مذهبی امروزی باشد که به اوضاع اقتصادی، اجتماعی و رفاهی یهودیان سروسامان بدهد و

از طرف دیگر، اسین ها بودند که فکر می کردند ماشیح شخصی است که یهودیان را از آن شهرها و اجتماعات فاسد جدا می کند و در یک منطقه دور از هر گونه آلودگی، مدینه فاضله ای، یک جامعه بی طبقه توحیدی ایجاد می کند.

غیوران که فعالان سیاسی آن زمان بودند در طلب مسیحی بودند که یک شخصیت سیاسی و نظامی مقتدر داشته باشد و آنها را از جور و ظلم رومیان رهایی دهد.

می بینید عیسی مسیح در میان مردمی بود که همگی انتظار نجات و رهایی را می کشیدند، اما با تعریف کاملاً متفاوت از آن نجاتی که عیسی مسیح در نظر داشت.

بعبارتی هر کس به دنبال نجات دهنده رویایی خود بود.

علی رغم انتظار مردم، عیسی مسیح با موعظه بی نظری که معروف به موعظه سر کوه می باشد، به تشریح ملکوت خدا می پردازد و شرایط و ویژگی های شهروندان آن را برایشان بازگو می کند و می گوید.

ملکوت خدا از آن کسانی است که به فقر روحانی شان آگاهند و برای گناهانشان ماتم می کنند.

و حال اضافه می کند که:

متی ۵:۵ خوشبحال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد.

شنوندگان با شنیدن این گفته مسیح تعجب می کنند چون به تصور آنان جهان توسط قدرتمندان فتح خواهد شد، نه حلیمان یا فروتنان!

در صورتیکه، آتهایی که اینطور فکر می کردند، نسبت به کلام خدا بی اطلاع بودند. چون اشعیا از بابهای ۴۰ الی ۶۶، ماشیح را بعنوان یک خادم فروتن و زحمت دیده معرفی می کند.

کلام خدا می فرماید وقتی عیسی مسیح به معبد یهود رفت هویتش را از اشعیا ۶۱ اینگونه به آنها معرفی کرد.

لوقا ۱۷:۴-۲۱ آنگاه طومار اشعیا نبی را به او دادند. او طومار را باز کرد و آن قسمت را خواند که می فرماید: "روح خداوند بر من است! خداوند مرا برگزیده تا مژده رحمت او را به بینوایان برسانم. او مرا فرستاده است تا رنجدیدگان را تسلی بخشم و رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام نمایم و مظلومان را آزاد سازم؛ و بشارت دهم که زمان آن فرا رسیده که خداوند انسان را مورد لطف خود قرار دهد." سپس طومار را پیچید و به خادم عبادتگاه سپرد و رو به جمعیت نشست. در حالیکه همه حاضار در عبادتگاه، به او چشم دوخته بودند، به ایشان فرمود: "امروز، این نوشته به انجام رسید!" (ترجمه تفسیری)

همانطور که خوانده شد، در اینجا صحبتی از یک لشکر نظامی نیست. پولس رسول نیز در اول قرننیا می گوید که مسیح خادم فروتنی است که یک گروه فروتن را برای خدمت برگزیده است.

اول قرننیا ۱: ۲۷-۲۹ خدا عمداً آنچه را که جهانیان پوچ و بی معنی می شمارند برگزید، تا حکیمان را خجل سازد و آنچه را که

جهانیان، ضعیف می‌پندارند انتخاب کرد تا نیرومندان را شرم‌منده سازد. خدا آنچه را که دنیا خوار و خفیف و حتی نیستی می‌شمارد برگزید تا جهان هستی‌ها را براندازد، تا هیچ انسانی در حضور او دلیلی برای فخر کردن نداشته باشد.

عیسی مسیح نیز در ابتدای موعظه سر کوه نمی‌گوید که ملکوت آسمان از آن قدرتمندان، ثروتمندان، دانایان می‌باشد بلکه در آیات ۳ و ۴ می‌گوید که ملکوت خدا از آن اشخاصی است که :

خود را از لحاظ روحانی آنقدر تهی می‌بینند که برای ادامه زندگی، تمام اتکایشان به خداست و بجز خدا هیچ منبع حیاتبخش دیگری ندارند. از این جهت، دست به دامن خدا می‌شوند و با ماتم و پشیمانی از گناهانشان، از او آمرزش و رحمت می‌طلبند. در ادامه مطلب در آیه ۵ عیسی مسیح، به ویژگی‌های شهروندان ملکوت آسمان، حلم و فروتنی را بر مسکنت و غم روحانی، اضافه می‌کند و چنین می‌گوید.

متی ۵:۵ خوشبحال حلیمان ...

حال بیائید ببینیم که مفهوم حلم و فروتنی از دید کتاب مقدس چیست؟ و تفاوت آن با شکسته دل یا روح شکسته چیست؟

### تعریف حلم و فروتنی در کتاب مقدس

ریشه واژه‌های شکسته دل و فروتن یکی هستند، حتی در بعضی از آیات با یک مفهوم، ولی دو واژه متفاوت، بکار گرفته شدند. اما، در متی ۵:۵ مفهوم فروتنی متفاوت با شکسته دلی است.

توجه داشته باشید که در آیه ۳ شخص شکسته دل متمرکز گناهکار بودنش است، اما در آیه ۵ شخص فروتن متمرکز قدوسیت خداست. دو مفهوم از یک چیز است.

طور دیگری نیز می‌توان به آن نگاه کرد.

مثلاً شکسته دلی که حاصل آن ماتم روحانی است، را منفی در نظر بگیریم،

فروتنی که ثمر آن گرسنگی و تشنگی عدالت می‌باشد، مثبت خواهد بود. درست مثل دو طرف یک سکه!

تا این بخش از آیات، یا خوشبحالها، شاهد یک حرکت پیش رونده هستیم.

ابتدا فقر و شکستگی دل، که یک حس منفی گناهکار بودن می‌باشد،

که منتهی به یک ماتم روحانی می‌شود.

آنگاه، شاهد آن روی سکه یعنی بخش مثبتش، هستیم،

در آن روی سکه، ابتدا خود را در مقابل قدوسیت خدا می‌بینیم، این فروتنی است،

بعد در ما تشنگی و گرسنگی برای قدوسیت او، در ما ایجاد می‌شود.

عیسی خوشبحال را نثار اینگونه افراد می‌کند.

در این راستا پولس رسول در رسالاتش مسیحیان را دعوت به فروتنی می کند.

افسیان ۱:۴ لهذا من که در خداوند اسیر می باشم، از شما استدعا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده اید، رفتار کنید. (ترجمه کلاسیک)

تیطس ۲:۳ کسی را ناسزا نگویند و ستیزه جو نباشند، بلکه باملاحظه باشند و نزد همه برآستی فروتن. (ترجمه هزاره نو)

کولسیان ۱۲:۳ حال که خدا شما را برای این زندگی تازه برگزیده و اینچنین شما را محبت کرده است، شما نیز باید نسبت به دیگران دلسوز، مهربان، فروتن، ملایم و بردبار باشید؛ (ترجمه تفسیری)

دعوت به فروتنی در سراسر کتاب مقدس مشهود است، چون فروتنی استاندارد خدا برای ملکوتش می باشد.

بعنوان مثال:

مزمور ۲۶:۲۲ حلیمان غذا خورده، سیر خواهند شد؛ و طالبان خداوند او را تسبیح خواهند خواند؛ و دلهای شما زیست خواهد کرد تا ابدالآباد. (ترجمه قدیم)

مزمور ۹:۲۵ او شخص فروتن را در انجام کارهای درست هدایت خواهد کرد و راه خود را به او تعلیم خواهد داد. (ترجمه تفسیری)

اشعیا ۱۹:۲۹ بار دیگر فقیران و فروتنان وجد و شادی خود را در خداوند، خدای قدوس اسرائیل، باز خواهند یافت. (ترجمه تفسیری)

با توجه به اینکه کلام خدا می فرماید، فروتنان حیات جاودان، وجد و شادی و تعلیم خواهند یافت، بجاست که در رابطه با حلم و فروتنی ایی که منظور نظر خداست بهتر آشنا شویم.

پس مطالعه ما تحت این عناوین ادامه خواهد یافت.

(۱) تعریف کتاب مقدسی فروتنی (۲) مظاهر فروتنی (۳) دلیل یا انگیزه فروتنی (۴) نتیجه فروتنی (۵) مَحَكِ فروتنی

بعبارتی در نهایت، خود را مَحَكِ زده، تا بدانیم که آیا فروتن هستیم؟

پس با اولین مورد، یعنی مفهوم کتاب مقدسی فروتنی، آغاز می کنیم.

## (۱) تعریف کتاب مقدسی فروتنی

قبلاً هم اشاره کردم، که هشت ویژگی شخصیتی ای که عیسی مسیح در خوشابحال ها نام می برد، به هم مربوطند.

پس برای رسیدن به مفهوم فروتنی به دو آیه قبل برمیگردیم و آنرا با دو ویژگی قبل، یعنی مسکین در روح و ماتمیان، در نظر می گیریم.

در اینصورت می توانیم نتیجه بگیریم که فروتنی، حاصل مسکنت و ماتم روحانی است.

واژه یونانی پرا اوس praus که به فارسی فروتن ترجمه شده، از لحاظ لغوی به مفهوم، آرام و نجیب هست. یعنی شخصی که دارای یک شخصیت ملایم، مهربان، صبور، تحمل کننده و مطیع است.

در کلام خدا از این واژه، بعنوان یکی از صفات مسیح بکار گرفته شده.

پولس برای مخاطبینش از فروتنی مسیح نمونه می آورد.

دوم قرنیتیان ۱:۱۰ حال ، با همان آرامی و مهربانی مسیح از شما درخواستی می کنم... (ترجمه تفسیری)

عیسی مسیح هم در تحقق پیشگویی زکریا ۹:۹ اشاره به خود می کند و فروتنی را به خود نسبت می دهد.

متی ۵:۲۱ به اورشلیم بگویند پادشاه تو می آید. او سوار بر کره الاغ ، با فروتنی می آید. (ترجمه تفسیری)

وقتی عیسی مسیح وارد اورشلیم شد بر کره الاغی که سَمبَل فروتنی است، سوار بود.

مسیح که قادر مطلق بود خود را فروتن ساخت. از این می توان نتیجه گرفت که فروتنی از ضعف نیست بلکه نشان کنترل قدرت است.

نتیجه می گیریم که مفهوم دیگر فروتنی، قدرتی است که تحت کنترل می باشد.

پولس رسول در این رابطه می گوید.

افسیسیان ۲۶:۴ اگر عصبانی شدید، نگذارید خشمستان شما را به گناه بکشاند و یا تا غروب آفتاب باقی بماند. (ترجمه مزده)

در امثال می خوانیم:

امثال ۲۸:۲۵ کسی که بر نفس خویش تسلط ندارد، مثل شهری بی حصار است. (ترجمه تفسیری)

امثال ۳۲:۱۶ صبر از قدرت بهتر است و کسی که بر خود مسلط باشد از شخصی که شهری را تسخیر نماید برتر است. (ترجمه تفسیری)

غلاطیان ۲۲:۵ می گوید که فروتنی ثمره روح القدس است.

فروتنی نقطه متضاد انتقام می باشد.

شخص فروتن بخاطر درک بالایی که از مسائل دارد، قادر به کنترل رفتار خود می باشد.

عبرانیان ۳۴:۱۰ شما با زندانیان هم درد بودید و وقتی اموال شما را بزور می گرفتند با خوشرویی آن را قبول می کردید چون می دانستید که صاحب چیزی هستید که بمراتب بهتر بوده و تا به ابد باقی می ماند. (ترجمه مزده)

آقای John Bunyan در رابطه با فروتنی می گوید:

کسی که پائین است سقوط نمی کند

در این شرایط شخص فروتن از خود دفاع نمی کند، چون چیزی ندارد که از دست بدهد. هیچ وقت بخاطر رفتاری بدی که باهاش شده عصبانی نمی شود. مسیح می گوید که ساکنین ملکوت خدا هیچ حقی در خود نمی بینند، به خدا متکی هستند و قدرتشان را تحت کنترل دارند. در خداوند شادی و آرامش دارند و به وعده های خدا امیدوارند.

افراد فروتن می گویند، که من قادر به هیچ کاری نیستم، اما در خداوند قوت انجام همه چیز را دارم.

شخص فروتن بسیار مهربان و آرام هست، اما برای خدا تا پای جان، با غیرت روحانی می ایستد و از ایمان مسیحی اش دفاع می کند.

نام دیگر اینکار خشم مقدس است. عیسی مسیح در این مورد نمونه خوبی بود.

حال ممکن است سوال شود که مظاهر فروتنی چیست؟

## ۲) مظاهر فروتنی

در کلام خدا نمونه های خوبی از اعمال فروتنانه می توان یافت. مثلاً:

در پیدایش ۱۳ می خوانیم که بین چوپانان ابراهیم و چوپانان لوط نزاعی در می گیرد و به همین علت ابراهیم می بایست از لوط جدا می شد. در رابطه با جدایی آنان ابراهیم با اینکه حق به گردن لوط داشت اما او فروتنی کرد و به لوط چنین گفت:

پیدایش ۸:۱۳-۹ پس ابرام به لوط گفت: «ما قوم و خویش هستیم، و چوپانان ما نباید با یکدیگر نزاع کنند. مصلحت در این است که از هم جدا شویم. اینک دشتی وسیع پیش روی ماست. هر سمتی را که می خواهی انتخاب کن و من هم بسمت مقابل تو خواهم رفت. اگر بطرف چپ بروی، من بطرف راست می روم و اگر طرف راست را انتخاب کنی، من بسمت چپ می روم.» (ترجمه تفسیری)

ابراهیم از موقعیت و نفوذی که بر لوط داشت استفاده نکرد بلکه حقش را به خداوند واگذار کرد و حق انتخاب را به لوط سپرد.

نمونه دیگر سرگذشت یوسف است. یوسف نیز وقتی به قدرت رسید و وزیر مصر شد، هنگامیکه برادرانش نزد او آمدند تا خوراک تهیه کنند از آنها انتقام نگرفت بلکه با آنها با فروتنی برخورد کرد و همه وقایع بد زندگی اش را به خدا واگذار نمود.

نمونه دیگر فروتنی، برخورد داود در اول سموئیل ۲۴ با شائول پادشاه که بخاطر حسادتی که به داود داشت، می خواست او را بکشد. شائول می دانست که داود برای پادشاهی اسرائیل مسح شده بود، به همین دلیل از او نفرت داشت و می خواست او را بکشد. دلیل دیگر حسادت شائول بر داود، رابطه صمیمانه پسرش یوناتان با داود بود.

داود از دست شائول فرار کرد و شائول در تعقیب او بود، اما در منطقه ای داود فرصت می یابد تا شائول را بکشد اما اینکار را نمی کند در عوض با چاقویش تکه ای از لباس او را می برد. در اینجا می بینیم که داود خشم و قدرت خود را علیه شائول کنترل می کند و نمی خواهد که بجای خدا عمل کند.

درس دیگری که می توانیم از فروتنی داود بگیریم، در دوم سموئیل ۱۶ می باشد. ابشالوم قصد داشت که سلطنت پدرش داود را تصاحب کند و برای اینکار پدرش را از قصر و اورشلیم بیرون کرده، تصمیم می گیرد تا با او بجنگد. اما داود در بیابان با یکی از افراد پسرش ابشالوم برخورد می کند و از طرف او مورد اهانت قرار می گیرد. یاران داود می خواهند که او را بخاطر این کارش بکشند اما داود جلوی آنها را می گیرد و هیچ دفاعی از خود نمی کند، بلکه همه چیز را به خدا می سپارد.

موسی نیز نمونه بسیار خوبی از فروتنی است بطوریکه کلام خدا در رابطه با او چنین می گوید.

اعداد ۳:۱۲ موسی متواضع ترین شخص روی زمین بود.

موسی مرد قدرتمندی بود بارها در مقابل فرعون ایستاد و با شجاعت از او خواست که قوم یهود را رها کند تا رفته در بیابان خدا را پرستش کنند. اما وقتی در مقابل خدا قرار می گرفت خود را ناچیز می دید.

شخص فروتن در خودش چیزی نمی بیند اما برای خدا غیرت دارد و از او دفاع می کند.

حال شاید بپرسید که چرا برای راه یافتن به ملکوت خدا باید فروتن بود؟ کتاب مقدس چه انگیزه یا دلیلی برای فروتن بودن بما می دهد؟

### ۳) دلیل یا انگیزه فروتنی

در پاسخ باید به چند دلیل اشاره کرد.

#### ۱) چون فقط فروتنان نجات می یابند

مزمور ۴:۱۴۹ زیرا خداوند از قوم خود راضی است و فروتنان را نجات می بخشد. (ترجمه تفسیری)

اگر با شکسته دلی در حضور خدا به گناه خود اعتراف نکنیم و در برابر قدوسیت او فروتن نشویم، به ملکوت خدا راه نخواهیم یافت. این تنها شرط ورود به ملکوت خداست.

#### ۲) چون فروتن بودن دستور خداست

صفیا ۳:۲ ای تمام متواضعانی که احکام او را بجا می آورید، بسوی خداوند بازگشت نمایید؛ به راستی عمل کنید و در حضور خداوند فروتن شوید... (ترجمه تفسیری)

#### ۳) فروتنی شرط پذیرش کلام خداست

یعقوب ۲۱:۱ ... با فروتنی کلام خدا را که در دلتان کاشته شده است، بپذیرید، زیرا این کلام قدرت دارد جانهای شما را نجات بخشد. (ترجمه تفسیری)

بعبارتی بدون فروتنی نمی توانیم کلام خدا را بشنویم و آنرا بپذیریم.

#### ۴) فروتنی به ما توانایی بشارت دادن می دهد

اول پطرس ۱۵:۳ بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید، و پیوسته مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس.

#### ۵) ارزش و زیبایی ما نزد خداوند با فروتنی سنجیده می شود

اول پطرس ۴:۳ زیبایی شما باید در باطن باشد. درون خود را با گوهر فنا ناپذیر یک روح آرام (فروتن) و ملایم بیارایید، زیرا این نوع زیبایی در نظر خدا ارزش بسیار دارد. (ترجمه مؤده)

پس باید فروتن بود چون تنها شرط نجات است، دستور خداست، شرط پذیرش کلام خداست، توانایی بشارت دادن می بخشد و خدا ما را با فروتنی ارزیابی می کند.

حال بیائید ببینیم که نتیجه فروتنی چیست.

عیسی مسیح در همین آیه ۵ به نتیجه فروتنی اشاره می کند و چنین می گوید:

متی ۵:۵ خوشبحال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد.

از متن می فهمیم که افراد فروتن اولاً مبارک و خوشبخت هستند.

یعنی یک خوشی درونی و واقعی در وجودشان هست. دوم اینکه آنها وارث زمین خواهند شد.

خداوند از همان ابتدا، توسط عهدی که با ابراهیم بست به آنها وعدۀ یک سرزمین را داد و به او گفت که نسل او بشمار خواهند شد و زمین را پر خواهند ساخت.

خداوند همچنین به آدم گفته بود که بر همه حیوانات حاکم باشد.

اما در اینجا، یعنی متی ۵:۵ وقتی می فرماید که فروتنان وارث زمین خواهند شد، اشاره به ورودشان به ملکوت خدا و حیات جاودانیت.

عیسی مسیح خطاب به شاگردانش طور دیگری به این حقیقت اشاره می کند و می فرماید:

متی ۳:۱۸ تا از گناهانان دست نکشید و بسوی خدا باز نگردید و مانند بچه های کوچک نشوید، هرگز نخواهید توانست وارد ملکوت خدا گردید!

ملکوت خدا جای افراد متکبر و مغرور نیست، فقط کسانی که خود را در حضور خدا مثل یک بچه فروتن می سازند به آن راه می یابند.

نکته ای که باید به آن توجه داشت واژه وارث است. که در ترجمۀ کلاسیک آمده.

این واژه نشان می دهد که برای ورود به ملکوت خدا لازم نیست کاری انجام دهیم. چون ملکوت خدا اکتسابی نیست بلکه آنرا به میراث می گیریم چون یک وعده از طرف خداست.

داود این حقیقت را می دانست و در مزمور ۳۷ در آیات ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۲، ۲۹ و ۳۴ جمعاً ۶ بار واژه وارث را تکرار می کند و می گوید که کسانی که با فروتنی منتظر خداوند هستند، از حضور او لذت می برند، در کمال خود رفتار می کنند، در خداوند مبارک هستند، صالح می باشند و طریق خداوند را نگاه می دارند، و علاوه بر همه اینها، فروتنان وارث زمین خواهند شد. بعبارتی وارد ملکوت خدا خواهند شد.

خدا می خواهد بدانیم، که به توسط ایمان به عیسی مسیح، ما مسیحیان وارث ملکوت آسمان می باشیم.

مثل کسی که خانه ای خریده و همه کارهای قانونی آن تمام شده و سند آن در بنگاه انتظار او را می کشد.

فرق این ارث با ارث زمینی اینه که برای رسیدن به ارث زمینی یکی باید بمیره، اما برای رسیدن به ارث آسمانی، خودمان باید بمیریم. ☺

برای همین است که مسیح می گوید خوشبحال شما.

حال اگر میخواهید بدانید که با چه مَحکی می توانید بفهمید که آیا فروتن هستید؟

خوبه که بررسی این مورد آخر، یعنی مَحَكِ فروتنی را، با دعا و تفتیش کردن دل‌هایمان در حضور خدا انجام بدهیم.

پس سرهای خودمان را خم کرده، خودمان را با این سوالات ارزیابی کنیم.

### ۵) مَحَكِ فروتنی (از کجا بدانیم که فروتن هستیم؟)

۱) آیا بر رفتارم کنترل دارم؟ ... فقط عصبانی می شوم؟ ... فقط عکس العمل نشان می دهم؟ آیا در مقابل بی احترامی مردم به خدا ... از خدا دفاع می کنم؟

۲) آیا عکس العمل من به کلام خدا با احترام و اطاعت است؟ چون اگر فروتن باشم با فروتنی کلام خدا را قبول می کنم.

۳) آیا صلح طلب هستم؟ آیا همیشه در مقابل مشکلات برای ایجاد آشتی پیش قدم هستم؟ کلام خدا می گوید که فقط افراد فروتن می توانند صلح کننده باشند.

۴) آیا انتقاد پذیر هستم؟ و آیا به کسانی که از من انتقاد می کنند محبت می کنم؟

دوم تیموتائوس ۲:۲۵ مرد خدا باید و با مخالفین و گمراهان با فروتنی و ادب گفتگو نماید؛ شاید به این ترتیب به یاری خداوند، آنها از عقاید نادرست خود بازگردند و به حقیقت ایمان آورند. (ترجمه تفسیری)

۵) آیا لحن من در سخن گفتن با دیگران، با فروتنی یا غرور است؟

در نهایت باید بدانیم که شخص فروتن از "منیت" برای همیشه آزاد شده، و از این جهت وارد ملکوت خدا خواهد شد.

در جلسه آینده از متی ۵:۶ مطالعه مون را ادامه خواهیم داد که می فرماید.

متی ۵:۶ خوشبحال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا سیر خواهند شد. (ترجمه تفسیری)